



عبدالاحمد فیض

معانی، تفاوتها و کرکتر حقوقی میثاق یا کنوانسیون، پیمان، موافقتنامه و قراردادهای بین المللی

به باور این قلم، درک وفهم واژه‌ها و ترمهای حقوقی چون میثاق و یا کنوانسیون، نوعیت و کرکتر ماهیوی اکتهای حقوقی فوق که در حیات روزمره با توجه به وسعت و تراکم رویدادهای جهانی کاربرد فزاینده ای دارند، عاری از ابهامات و مشکلات نبوده و استند عده ای که کماکان از درک و تشخیص مفاهیم حقوقی فوق عاجز میمانند، لذا همین موضوع انگیزه بود تا از ادامه بحث پیرامون معرفی اصول و پرنسیپای عام حقوقی درین هفته کوتاه آمده و در عوض مطالب چند پیرامون واژه‌های فوق آنهم در قالب معاهدات بین المللی ارائه بدارم و در انتظار نظریات نقادانه و ابراز نظرهای سازنده هموندان فهیم و گران ارجم خواهیم بود.

پراگراف اول ماده (۲) میثاق وین مصوب (۱۹۶۹) و میثاق سال (۱۹۸۹) که میثاق حقوق معاهدات نامیده میشود، معاهده بین المللی را چنین تعریف مینماید: ((معاهده جهانی عبارت است از توافق بین دو یا چند کشور مستقل به هدف معین که در پرتو حقوق بین المللی شکل میگیرد)) و به چهار گتگوری تقسیم میگردد:

الف- کنوانسیون

ب- پیمان

ج- عهد نامه

د- موافقتنامه

الف- کنوانسیون واژه فرانسوی است که میثاق، موافقتنامه و یا مقاوله که مترادف هم قرار میگیرد معنی میشود و معاهده بین المللی است که در پرتو روابط جهانی در نظام بین الملل از اهمیت شایانی برخوردار است زیرا در چهار چوب همین معاهده است که قوانین، اصول و نورماتیف های تنظیم کننده مناسبات پیچیده جهان معاصر شکل گرفته و عمده ترین منبع حقوق بین المللی پنداشته میشود که چنین تعریفی را حاویست:

((کنوانسیون، کانوینشن و یا میثاق عبارت از معاهده ایست که میان دولتهای مختلف به قصد تدوین اصول، قواعد و پرنسیپهای الزام آور حقوق بین المللی انعقاد مییابد)) مانند کنوانسیون (۱۹۵۱) پناهندگی، میثاق حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون حقوق اجتماعی و اقتصادی ژینومصوب (۱۹۶۶) وغیره.

لازم به یاد دهانی است که هیچگونه تفاوت ماهیوی، حقوقی و مفهومی فی مابین واژه کنوانسیون و میثاق که بمعنی عهد و پیمان در فرهنگ عربی و فارسی کاربرد دارد، وجود ندارد و هکذا به استثنای کنوانسیون، سایر معاهدات بین المللی را نمیتوان میثاق نامید.

ب- پیمان یا به انگلیسی (پکت) معاهده است که زمینه را برای یک دولت بخاطر کسب عضویت و یا شمولیت در پکتهای جهانی مساعد ساخته و به ایجاد مناسبات و پیوندهای راهبردی با دول

دیگر در روشنائی حقوق بین المللی میانجامد مانند پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) ، پکت (وارسا) قبل از ختم جنگ سرد ، پیمان بغداد و غیره

ج- عهد نامه - معاهده ویا توافقاتی است که اصول وموازن بنیادین ویا اصول رفتاری را در مناسبات متقابل میان دولتها برجسته میسازد و درنوع خود از سقف و پرستیز حقوقی متعالی ای درمقایسه به سایر اکتهای حقوقی مرتبط به روابط کشورها برخوردار است.

د- موافقتنامه یا به انگلیسی (اگریمنت) معاهده بین المللی است که مناسبات فی مابین دوو یا چند دولت را در زمینه های فنی، فرهنگی ، تجاری ، امنیتی و غیره تنظیم نموده و اثرات الزامآوری بر بنیاد حقوق بین المللی بران مرتب میگردد.

شایان یاد دهانی است که در موارد متعدد عده ای افراد حتی مأمورین بلند مرتبه عرصه دیپلوماتیک و حتا کارشناسان حقوقی در تفکیک میان موافقتنامه بین المللی و قراردادهای بین المللی که از واژه (کونترکت) (انگلیسی) ناشی میشود به خطاء مواجه و در مباحث حقوقی پیرامون چگونگی توصیف حقوقی و تفکیک وضعیت و ماهیت این دواکت متفاوت حقوقی به پارادومهای فکری و تناقض گوئی مفرط مواجه میباشند که مثال برجسته ازینگونه تناقض گوئی واشتباها ت عریان را من بحیث شاگرد حقوق ، در زمان امضای موافقتنامه مؤرخ (۳۰) سپتامبر (۲۰۱۴) امنیتی و دفاعی کابل - واشنگتن بخوبی مشاهده نمودم و مباحث داغ پیرامون چند و چون این توافقات را در میزهای مدور و ستیزهای بلند بالائی رسانه های تصویری داخلی به علاقه مفرط پیگیری نموده و بوضوح درک نمودم که یک اکثریت قابل توجه از آگاهان و کارشناسان هیچگونه تفکیک و تمایزی بین این دو عملکرد مطلق متفاوت از منظر حقوقی قایل نبوده است ، پس قرارداد بین المللی چیست و چه تفاوتی با موافقتنامه بین المللی دارد؟

کونترکت یا قرارداد بین المللی عبارت از تعهدات ویا توافقات ایست که میان دو کشور در مورد معین انعقاد یافته و آثار حقوقی (حقوق و وجایب طرفین) ناشی از آن بر مبنای حقوق داخلی یا در پرتو حقوق مدنی متعاهدین تنظیم میگردد. بطور مثال قرارداد های خدمات ترانسپورتی ، تبادل امتعه و غیره فلهدا بادر نظر داشت تعریف فوق قراردادهای بین المللی از جمله معاهده بین المللی چون موافقتنامه بین المللی نبوده و وجوه افتراق این دو عقود در عناصر ذیل نهفته است:

اول- معاهدات بین المللی در پرتو نورمها، قواعد و اصول حقوق بین المللی تنظیم میگردد ، نه حقوق داخلی. در حالیکه قرارداد بین المللی در روشنائی حقوق بومی تنظیم میشود.

دوم- در معاهدات بین المللی عنصر حاکمیت دولت مطرح است در حالیکه در قراردادهای بین المللی چنین نبوده و اینکه چراء به چنین سطح روابط قرارداد بین المللی گفته میشود ؟ علت دران نهفته است که یک ویا چند عنصر خارجی ویا پارترهای خارجی از جمله عاقدین است مثلاً قرارداد اکسپورت مواد نفتی فی مابین دو شرکت نفتی داخلی و خارجی.

بعنوان حسن اختتام بایست متذکر شد که مبتنی بر فوهای ماده دوم میثاق حقوق معاهدات ، هرگاه یک توافق بین المللی بصورت کتبی و با اراده آزاد دو یا چند کشور روی یک معاله حقوقی در پرتو حقوق بین المللی صورت گیرد، هر نام ویا عنوانی بدان اطلاق گردد، هیچگونه تأثیری بر مفاد الزامآوری که بر طرفین ایجاد میشود نداشته و لذا پرنسپ حاکم در زمینه ، میثاق حقوق معاهدات است نه ترمینولوژی های که احتمالن مورد استفاده قرار میگیرد.

رویکردها:

- مقاله اینجانب تحت عنوان ماهیت حقوقی ، مفاد و مضار معاهده امنیتی کابل- واشنگتن منتشره سایت آرآئی.
- متن کانونسیون سال (۱۹۶۹) و (۱۹۸۹) ویا نا در مورد حقوق معاهدات.